

کتاب دانیال - شماره یکصد و نه

مکاشفه کی ثلاثی تطبیق کا انکشاف: مکاشفه باب نهم کی نبوتی اہمیت اور جدید اصلاحی تحریک

Jeff Pippenger

2024-03-01

نیمہ نخست باب نهم مکاشفه، شیپور پنجم را مشخص می‌سازد، که همان وای اول است؛ و نیمہ دوم باب، شیپور ششم را مشخص می‌سازد، که همان وای دوم است. هر دو شیپور به گونه‌ای روشن در نقشه‌های پیشگامان 1843 و 1850 به تصویر کشیده شده‌اند. هنگامی که شش آیه آخر دانیال یازده در زمان آخر، در سال 1989، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گشوده شد، جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار تن آغاز گردید.

از جمله حقایقی که در سال ۱۹۸۹ شناخته شدند، جنبش‌های بزرگ اصلاحی تاریخ کتاب مقدس بود، و اینکه همگی با یکدیگر به طور متوازی پیش می‌روند. تمامی انبیا، و بنابراین هر تاریخ مقدس، از جمله جنبش‌های مقدس اصلاحی، جنبش عظیم نهایی اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار تن را به تصویر می‌کشند، که همان جنبش مقتدر فرشته سوم نیز هست. هنگامی که فرایند مهر شدن آغاز می‌گردد، پاشیده شدن باران اخیر نیز به همان سان آغاز می‌شود. گشوده شدن جنبش‌های اصلاحی در سال ۱۹۸۹، و در پی آن گشوده شدن شش آیه آخر دانیال یازده در سال ۱۹۹۲، فضایی از مقاومت پدید آورد، چنان‌که همواره هنگامی رخ می‌دهد که حقیقتی جدید و حاضر گشوده می‌شود.

در مقاومت در برابر حقیقت شش آیه پایانی دانیال یازده، خداوند حقیقتی را آشکار ساخت که بر اساس آن، تاریخ نبوی روم بت‌پرست، در پیوند با تاریخ نبوی روم پاپی، که بر دو شاهد استوار شده است، تاریخ نبوی روم مدرن را شناسایی می‌کند. قاعده کاربست سه‌گانه نبوت شناخته شد، و از آن پس برای دفاع در برابر خطا و برای شناسایی و تثبیت حقیقت به کار گرفته شد. قواعدی که تأیید می‌کنند هر خط اصلاحی با دیگر خطوط اصلاحی موازی است، و نیز قواعد مرتبط با کاربست سه‌گانه نبوت، به شالوده قواعدی بدل شدند که در جنبش فرشته سوم برقرار گردیدند، همان‌گونه که در تاریخ میلریتی، به وسیله قواعدی که برقرار، به کار گرفته، و منتشر شده بودند، نمونه‌وار پیش‌نمایی شده بود.

تطبیق النبوة الثلاثی، کقاعدة، قد کشف عن ختمه من أجل حركة المئة والأربعة والأربعين ألفاً، لأنهم هم حركة المطر المتأخر، ولأن إسلام الويل الثالث هو رسالة المطر المتأخر. ومبدأ التطبيق الثلاثي للنبوة قد عرفه أسد سبط يهوذا قبل زمن طويل من وصول إسلام الويل الثالث إلى مجرى التاريخ في 11 أيلول/سبتمبر 2001، لأنه أراد أن يتعرف شعبه في الأيام الأخيرة بسهولة إلى الرسالة التي يمثلها مجيء الويل الثالث عندما أعاد شعبه إلى السبل القديمة التي لإرميا.

درک پیشگامان از شیپورهای پنجم و ششم، چنان‌که در باب نهم مکاشفه بیان شده است، چنین بود که این بخش از کتاب مکاشفه، استوارترین و روشن‌ترین تأیید را از تاریخ دریافت می‌کند. اوریا اسمیت عرضه خود از باب نهم مکاشفه را با به‌کارگیری سخنان مورخ، کیت، آغاز می‌کند تا دقیقاً همین نکته را بیان دارد.

«برای تفسیر این شیپور، بار دیگر از نوشته‌های آقای کیت بهره خواهیم گرفت. این نویسنده به‌درستی می‌گوید: "به‌ندرت می‌توان در میان مفسران، درباره هیچ بخش دیگری از مکاشفه، چنین توافقی یکنواخت یافت که در خصوص انطباق شیپور پنجم و ششم، یا وای نخست و دوم، بر

ساراسن‌ها و ترکان وجود دارد. این امر چنان آشکار است که به سختی می‌توان آن را بد فهمید. به‌جای آنکه تنها یک یا دو آیه به تعیین هر یک اختصاص یافته باشد، سراسر باب نهم مکاشفه، به‌طور مساوی، به توصیف هر دوی آنها اختصاص یافته است. "Uriah Smith, Daniel and Revelation, 495

تقسیم ابواب بلای اول و دوم، تاریخ بلای اول را که به‌وسیله محمد نمایانده شده است، از هم جدا می‌سازد. از حیث جغرافیایی، این بلا در آنچه مورخ الکساندر کیت «ساراسن‌ها» می‌نامد قرار دارد، که ما امروز آن را عربستان می‌خوانیم. تاریخ بلای دوم، که به‌وسیله عثمان اول نمایانده شده است، از حیث جغرافیایی در ترکیه قرار دارد، جایی که مورخ آن را سرزمین ترکان معرفی می‌کند. تاریخ بلای اول در عربستان، زادگاه اسلام و محمد، قرار داشت و به انجام رسید. تاریخ بلای دوم در ترکیه، زادگاه امپراتوری عثمانی، قرار داشت و به انجام رسید.

تاریخ نخستین «ویل» جنگی را مشخص می‌سازد که بر ضد روم به‌وسیله جنگاورانی مستقل هدایت می‌شد که تنها پیوند مشترکشان با یکدیگر، دین اسلام بود. تاریخ دومین «ویل» جنگی را مشخص می‌سازد که بر ضد روم به‌وسیله یک دین سازمان‌یافته و قدرت حکومتی انجام می‌شد که «خلافت» نامیده می‌شود. در هر دو صورت، چه جنگ مستقل علیه روم در تاریخی که به‌وسیله محمد نمایانده شده است، و چه جنگ سازمان‌یافته‌ای که به‌وسیله عثمان، یا امپراتوری عثمانی، نمایانده شده است، شیوه جنگیدن، حمله‌ای ناگهانی و غیرمنتظره بود. آن جنگ، جنگی نبود که با پوشاندن همه سربازان در یونیفورم‌های هم‌رنگ آغاز شود، سپس سربازان را در یک صف سازمان دهند و آنان را، چنان‌که رسم نظامی آن زمان بود، به‌سوی آتش تفنگ پیش ببرند. واژه «assassin» بر شیوه جنگی اسلامی، یعنی ضربه زدن به‌طور ناگهانی و غیرمنتظره، استوار است؛ شیوه‌ای که معمولاً به مرگ خود مهاجم نیز می‌انجامید.

واژه «assassin» از واژه عربی «hashshashin» مشتق شده است که خود از «hashish» گرفته شده و به معنای «حشیش» یا «شاهدانه» است. این اصطلاح در اصل برای اشاره به گروهی پنهان‌کار و متعصب از مسلمانان اسماعیلی نزاری در خاورمیانه در دوره قرون وسطا به کار می‌رفت. اعضای این گروه به سبب روش‌های نامتعارف و غالباً خشونت‌آمیز خود شناخته می‌شدند، از جمله استفاده از ترورهای سیاسی برای دستیابی به اهدافشان. گفته می‌شود که آنان گاه برای آماده شدن برای مأموریت‌های خود حشیش مصرف می‌کردند، و همین امر به رواج اصطلاح «hashshashin» یا «assassins» در جهان غرب انجامید. حشاشین در دوره قرون وسطا، عمدتاً در ایران و سوریه، فعال بودند و در منازعات سیاسی گوناگون و ترورهای آن زمان نقشی مهم ایفا کردند. اصطلاح «assassin» سرانجام به زبان‌های اروپایی راه یافت و در آنجا به‌طور عام‌تر به افرادی اطلاق شد که دست به قتل‌های سیاسی یا هدفمند می‌زنند.

این شیوه جنگ، یکی از ویژگی‌های مهم نبوی سه وای است، زیرا نقش نبوی اسلام، پدید آوردن جنگ است. اسلام، به‌عنوان یک نماد، سراسر با جنگ پیوند دارد، و در فصل نهم مکاشفه، اسلام وای اول و دوم، تصویری از جنگاوری آنان است. جنگی آنان در کتاب مکاشفه به‌عنوان آن عملی شناخته می‌شود که اندکی پیش از بسته شدن در فیض، امت‌ها را به خشم می‌آورد.

اور قومیں غضبناک ہوئیں، اور تیرا غضب آپہنچا، اور مردوں کا وہ وقت بھی آگیا کہ اُن کی عدالت کی جائے، اور یہ کہ تو اپنے خادموں نبیوں کو، اور مقدسوں کو، اور انہیں جو تیرے نام سے ڈرتے ہیں، چھوٹے ہوں یا بڑے، اجر دے؛ اور انہیں ہلاک کرے جو زمین کو ہلاک کرتے ہیں۔ مکاشفہ 11:18.

«قوم‌ها» درست پیش از آن‌که غضب خدا فرارسد «خشمگین» می‌شوند، و غضب خدا، آن‌گونه که در کتاب مکاشفه نمایانده شده است، همان هفت بلای آخر است که هنگام بسته شدن مهلت آزمایش انسان نازل می‌شوند. در این آیه سه نشانه راه وجود دارد: خشمگین شدن قوم‌ها، غضب خدا، و زمان داوری مردگان. داوری مردگانی که در اینجا به آن اشاره شده است، داوری مردگان شریر است که در طی هزاره هزارساله رخ می‌دهد، نه داوری تحقیقی مردگان که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد. خواهر وایت به روشنی بیان می‌کند که سه نشانه راه در این آیه از یکدیگر متمایزند و به همان ترتیبی که در آیه آمده‌اند واقع می‌شوند.

"میں نے دیکھا کہ قوموں کا غضب، خدا کا قہر، اور مُردوں کے انصاف کا وقت ایک دوسرے سے جدا اور ممتاز تھے، اور ایک کے بعد دوسرا آتا تھا؛ نیز یہ بھی کہ میکائیل ابھی تک کھڑا نہیں ہوا تھا، اور وہ مصیبت کا وقت، جیسا کبھی نہ ہوا، ابھی شروع نہیں ہوا تھا۔ قومیں اب غضبناک ہو رہی ہیں، لیکن جب ہمارا سردار کاہن مقدس میں اپنا کام پورا کر لے گا، تو وہ کھڑا ہوگا، انتقام کے لباس پہن لے گا، اور پھر آخری سات آفتیں انڈیلی جائیں گی۔"

«دیدم کہ آن چہار فرشتہ، چہار باد را نگاہ خواهند داشت تا کار عیسی در قدس به انجام رسد، و آنگاہ ہفت بلای آخر خواهد آمد.» Early Writings, 36.

نقش اسلام در آخرین کتاب کتاب مقدس آن است که ملت‌ها را به خشم آورد، و آنان این کار را از طریق جنگ انجام می‌دهند. نقش اسلام در نخستین کتاب کتاب مقدس آن است که دست هر انسانی را در جهان علیه اسلام، که در قالب اسماعیل نمایانده شده است، متحد سازد.

اور فرشتہ خداوند نے اُس سے کہا، دیکھ، تو حاملہ ہے اور ایک بیٹا جنے گی، اور اُس کا نام اسماعیل رکھے گی؛ کیونکہ خداوند نے تیری مصیبت سن لی ہے۔ اور وہ جنگلی انسان ہوگا؛ اُس کا ہاتھ ہر ایک کے خلاف ہوگا، اور ہر ایک کا ہاتھ اُس کے خلاف؛ اور وہ اپنے سب بھائیوں کے سامنے بسے گا۔ پیدائش 12، 16:11.

لفظ «دست» به عنوان یک نماد، همچون همه نمادهای کتاب مقدسی، بسته به زمینه‌ای که در آن به کار می‌رود، می‌تواند بیش از یک معنا داشته باشد. به مراتب بیش از هر چیز، «دست» به عنوان نمادی در نبوت کتاب مقدس، نماد جنگ است. واژه عبری که به «مرد وحشی» ترجمه شده است، همان واژه‌ای است برای خر وحشی عربی، که چندین دلالت مهم نبوی را در خود دارد؛ یکی از آن‌ها این است که خر عربی عضوی از خانواده اسبیان است، همان‌گونه که اسب نیز چنین است. در مکاشفه باب نهم، و نیز در هر دو نمودار مقدس حیقو (نمودارهای پیشگامان ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰)، اسب به عنوان نماد جنگی به کار رفته است که اسلام سه وای بر آن دلالت می‌کند. نخستین و آخرین اشاره به اسلام، آن‌گونه که در کتاب پیدایش و کتاب مکاشفه بازنمایی شده است، اسلام را با نماد خانواده اسبیان (خر یا اسب) معرفی می‌کند، و هر دو بر این نقش اسلام تأکید دارند که جنگ را بر «هر انسان» (امت‌ها) بیاورد.

در کتاب مکاشفه، باب نه، آیه یازده، خصلت اسلام شناسانده می‌شود، زیرا در نبوت، خصلت به وسیله نام نمایانده می‌شود. نامی که به پادشاهی داده شده است که بر اسلام حکومت می‌کند، بازتاب آن نخستین اشاره به اسلام در کتاب پیدایش است، آنجا که نوشته شده است که خصلت یا روح اسماعیل «در حضور همه برادران خود ساکن خواهد بود». پادشاهی که بر سراسر اسلام حکم می‌راند، روح اسماعیل است (پادشاه ایشان)، که دستش «بر ضد هر انسان» است.

و بر خود پادشاهی داشتند که فرشتہ هاویہ بی‌انتهاست، که نام او در زبان عبری آبدون است، اما در زبان یونانی نام او آپولیون است. مکاشفه ۹:۱۱.

در عهد عتیق که با زبان عبری نمایانده شده است، یا در عهد جدید که با زبان یونانی نمایانده شده است، شخصیتی که بر پیروان دین اسلام سلطه دارد، یا «ابدون» شناخته می‌شود یا «آپولئون»، که هر دو به معنای «مرگ و هلاکت» هستند. مرگ و هلاکت، خواه در عهد عتیق نمایان شود و خواه در عهد جدید، وصف اسلام است. ویژگی‌های مشخص آن روحی که در درون هر یک از پیروان اسلام حکم می‌راند، در پیوند با نماد الاغ یا اسب، هر دو از عناصر نخستین و آخرین اشارات به اسلام‌اند. این دو صفت نبوی، مهر آلفا و اُمگا را در خود دارند. هنگامی که خواهر وایت پیامی را که صد و چهل و چهار هزار تن را به حیات می‌آورد، به‌عنوان لشکر عظیم فرشته سوم معرفی می‌کند، چنین می‌گوید:

«فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند؛ بادهایی که به اسبی خشمگین مانند شده‌اند که می‌کوشد خود را رها سازد و بر سراسر روی زمین بتازد، در حالی که در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.»

«آیا بر لبه همین جهان جاودان به خواب خواهیم رفت؟ آیا کُند و سرد و مرده خواهیم بود؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا ایشان بر پای‌های خود بایستند و زنده گردند. ما نیاز داریم ببینیم که راه تنگ است و دروازه باریک. اما چون از دروازه تنگ عبور کنیم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases، جلد 20، 217.

چهار باد در هنگام مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نگاه داشته می‌شوند، و این چهار باد «اسبی خشمگین» هستند که «مرگ و ویرانی را در مسیر خود» حمل می‌کند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وای سوم وارد تاریخ نبوی شد و «مرگ و ویرانی» را به همراه آورد، و بدین‌سان «امت‌ها را به خشم آورد»، هنگامی که سرزمین جلالی روحانی را «ناگهان و غیرمنتظره» مورد ضربه قرار داد. در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، وای سوم مسیر «مرگ و ویرانی» خود را ادامه داد و بدین‌سان بیش از پیش «امت‌ها را به خشم آورد»، هنگامی که سرزمین جلالی تحت‌اللفظی را «ناگهان و غیرمنتظره» مورد حمله قرار داد. نخستین حمله غیرمنتظره آغاز دوره مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را نشان کرد، و حمله اخیر در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز دوره پایانی، یا «بستن» مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌سازد. آیا باید بر آستانه جهان جاودانی به خواب رویم؟

در هر دو نمودار مقدس پیشگامان، اسلام بلای اول و دوم به‌گونه‌ای تصویری با جنگاوران اسلامی که بر اسبان جنگی خویش سوارند، نشان داده شده است. سوار بر اسب جنگی بلای اول در هر دو تصویر، نیزه‌ای در دست دارد، و سوار اسبی که نمایانگر بلای دوم است، تفنگی شلیک می‌کند. این تمایز به‌روشنی در مکاشفه باب نهم مشخص شده است، زیرا در تاریخ بلای دوم بود که باروت اختراع شد و نخستین بار در جنگ به کار رفت. اوریا اسمیت، در شرح آیات هفده تا نوزده مکاشفه باب نهم، چنین می‌نویسد:

tavsifning birinchi qismi, ehtimol, ushbu otliqlarning tashqi ko'rinishiga ko'rsatilgan" taalluqli bo'lishi mumkin. Olov, rangni ifodalab, qizil rangni bildiradi; "olovdek qizil" iborasi tez-tez uchraydigan ifodadir; yoqut-gul, yoki giasint, ko'k rangni; oltingugurt esa sariq rangni bildiradi. Va bu ranglar ushbu jangchilarning kiyimida nihoyatda ustun edi; shunday ekan, bu qarashga ko'ra, ushbu tavsif asosan qizil, yoki alvon, ko'k va sariq ranglardan tashkil topgan turk harbiy kiyimiga aniq mos kelar edi. Otlarning boshlari sherlarning boshlariga o'xshash ko'rinishda edi, bu ularning kuchini, jasoratini va yirtqichligini bildirish uchun; oyatning so'nggi qismi esa, shubhasiz, o'sha paytda endigina joriy etilgan urush maqsadlarida porox va o'qotar qurollardan foydalanishga ishora qiladi. Turklar o'z o'qotar qurollarini ot ustida turib otganlari bois, uzoqdan kuzatuvchiga go'yo olov, tutun va oltingugurt otlarning og'zidan chiqayotgandek

ko'rinar edi; bu esa ilova qilingan tasvirda ko'rsatilgan"

«در خصوص به کارگیری سلاح‌های آتشین به وسیله ترکان در لشکرکشی ایشان بر ضد قسطنطنیه، الیوت (Apocalypticae) Apocalypticae جلد اول، صص. 482-484) چنین می‌گوید: — «این به «آتش و دود و گوگرد»، یعنی به توپخانه و سلاح‌های آتشین محمد، بود که کشتن ثلث مردمان، یعنی فتح قسطنطنیه، و در نتیجه نابودی امپراتوری یونان، مدیون بود. اکنون بیش از هزار و صد سال از بنیادگذاری آن به وسیله قسطنطین گذشته بود. در طی آن سال‌ها، گوت‌ها، هون‌ها، آوارها، پارسیان، بلغارها، ساراسین‌ها، روس‌ها، و نیز خود ترکان عثمانی، یورش‌های خصمانه خویش را بر آن وارد آورده، یا آن را در محاصره گرفته بودند. اما استحکامات آن در برابر ایشان تسخیرناپذیر بود. قسطنطنیه پایدار ماند، و با آن امپراتوری یونان نیز. از این رو، اضطراب و اهتمام سلطان محمد برای یافتن آنچه بتواند این مانع را برطرف سازد. «آیا می‌توانی توپی بریزی؟» این پرسش او از آن توپ‌ریزی بود که به او پناهنده شده بود، «به اندازه‌ای که برای درهم کوبیدن دیوار قسطنطنیه کافی باشد؟» آنگاه ریخته‌گری در آدریانوپل برپا شد، توپ‌ها ریخته شدند، توپخانه آماده گردید، و محاصره آغاز شد.»

«شایسته توجه بسیار است که گیون، که همواره بی‌آنکه خود آگاه باشد مفسر نبوت مکاشفه‌ای است، این ابزار تازه جنگ را در روایت فصیح و تکان‌دهنده خویش از فاجعه نهایی امپراتوری یونانی، در پیش‌زمینه تصویر خود قرار می‌دهد. در تدارک آن، تاریخ اختراع اخیر باروت را بیان می‌کند، «آن آمیزه شوره، گوگرد، و زغال»؛ از کاربرد پیشین آن به دست سلطان امورات سخن می‌گوید، و نیز، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، از ریخته‌گری محمد برای ساختن توپ‌های بزرگ‌تر در آدریانوپل؛ سپس، در جریان خود محاصره، شرح می‌دهد که چگونه «رگبار نیزه‌ها و تیرها با دود، صدا، و آتش تفنگ‌ها و توپ‌ها همراه بود»؛ چگونه «صف طولانی توپخانه ترک به سوی دیوارها نشانه رفته بود، و چهارده آتشبار هم‌زمان بر آسیب‌پذیرترین مواضع غرش می‌کرد»؛ چگونه «استحکاماتی که قرن‌ها در برابر خشونت دشمنانه ایستاده بودند، از هر سو به وسیله توپ‌های عثمانی منهدم شدند، شکاف‌های بسیار گشوده شد، و در نزدیکی دروازه سن رومانوس، چهار برج با خاک یکسان گردید»؛ چگونه، چون «از سنگرها، کشتی‌های جنگی، و پل، توپخانه عثمانی از هر سو غرش می‌کرد، اردوگاه و شهر، یونانیان و ترکان، در ابری از دود فرو رفتند که تنها با رهایی نهایی یا نابودی امپراتوری روم می‌توانست پراکنده شود»؛ چگونه «دیوارهای دوگانه به وسیله توپ‌ها به توده‌ای از ویرانه مبدل شد»؛ و چگونه سرانجام ترکان، «از میان شکاف‌ها برآمده»، «قسطنطنیه را مطیع ساختند، امپراتوری‌اش را واژگون کردند، و دینش را زیر پای فاتحان مسلمان لگدمال نمودند.» می‌گویم که به راستی شایسته تأمل است که گیون تا چه اندازه آشکار و چشمگیر، فتح شهر، و بدین‌سان نابودی امپراتوری را، به توپخانه عثمانی نسبت می‌دهد. زیرا این جز چه می‌تواند بود مگر تفسیری بر کلمات نبوت ما؟ «از این سه، ثلث مردم کشته شدند، از آتش و دود و گوگردی که از دهان‌های آنها بیرون می‌آمد.»

«آیه ۱۸. به وسیله این سه، ثلث مردم کشته شدند: به وسیله آتش و دود و گوگردی که از دهان ایشان بیرون می‌آمد. ۱۹. زیرا قدرت ایشان در دهان ایشان و در دم‌های ایشان است؛ زیرا دم‌های ایشان مانند مارها بود و سرها داشت، و با آن‌ها آسیب می‌رسانند.»

«این آیات اثر مرگبار شیوه جدید جنگی پدیدآمده را بیان می‌کنند. قسطنطنیه سرانجام به وسیله این عوامل — باروت، سلاح‌های گرم، و توپ — مغلوب شد و به دست ترکان سپرده گردید.» Uriah Smith, Daniel and Revelation, 510-514

ما به مطالعه وای سوم در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

»میں گزشتہ رات اپنی نیند سے بیدار ہوئی تو میرے ذہن پر ایک بھاری بوجھ تھا۔ میں اپنے بھائیوں اور بہنوں کو ایک پیغام پہنچا رہی تھی، اور وہ تنبیہ اور ہدایت کا ایسا پیغام تھا جو بعض لوگوں کے کام کے بارے میں تھا، جو روح القدس کے قبول کیے جانے اور انسانی وسیلوں کے ذریعے اُس کے عمل کے متعلق غلط نظریات کی وکالت کر رہے ہیں۔«

»بہ من تعلیم دادہ شد کہ تعصبی همانند آنچه ما فراخوانده شدیم پس از سپری شدن زمان در سال ۱۸۴۴ با آن روبہ رو شویم، در ایام پایانی پیام بار دیگر در میان ما پدید خواهد آمد؛ و اینکه ما باید اکنون نیز با همین شرارت، بہ همان قاطعیتی کہ در تجربیات نخستین خود با آن روبہ رو شدیم، مقابلہ کنیم۔«

»ما بر آستانہ رویدادہای عظیم و هولناک ایستادہ ایم۔ نبوت ہا در حال تحقق اند۔ تاریخ شگفت و پُر حادثہ ای در کتاب ہای آسمان ثبت می شود—رویدادہایی کہ اعلام شدہ بود اندکی پیش از روز عظیم خدا واقع خواہند شد۔ ہمہ چیز در جہان در وضعی ناپایدار است۔ امت ہا خشمگین اند، و تدارکات عظیمی برای جنگ فراہم می شود۔ قومی بر ضد قومی دیگر توطئہ می کند، و مملکتی بر ضد مملکتی دیگر۔ روز عظیم خدا با شتابی بسیار نزدیک می شود۔ اما با وجود آنکہ امت ہا نیروہای خود را برای جنگ و خونریزی گرد می آورند، فرمان بہ فرشتگان همچنان برقرار است کہ چہار باد را نگاہ دارند تا بندگان خدا بر پیشانی ہای خود مہر شوند۔« Selected Messages, book 1, 221